

یکشنبه ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ • ۱۴۴۳ رمضان ۲۹ • 1 May 2022



# نگاهی به رسانه‌ها

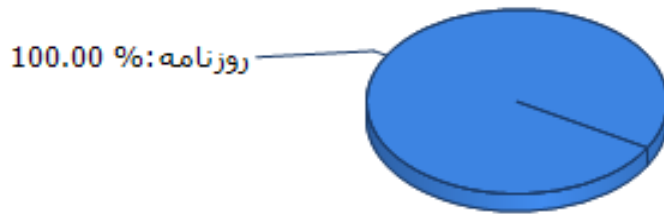
## بازتاب اخبار تأثیر در روزنامه‌ها

## تعداد کل محتوا : ۱۱



روزنامه

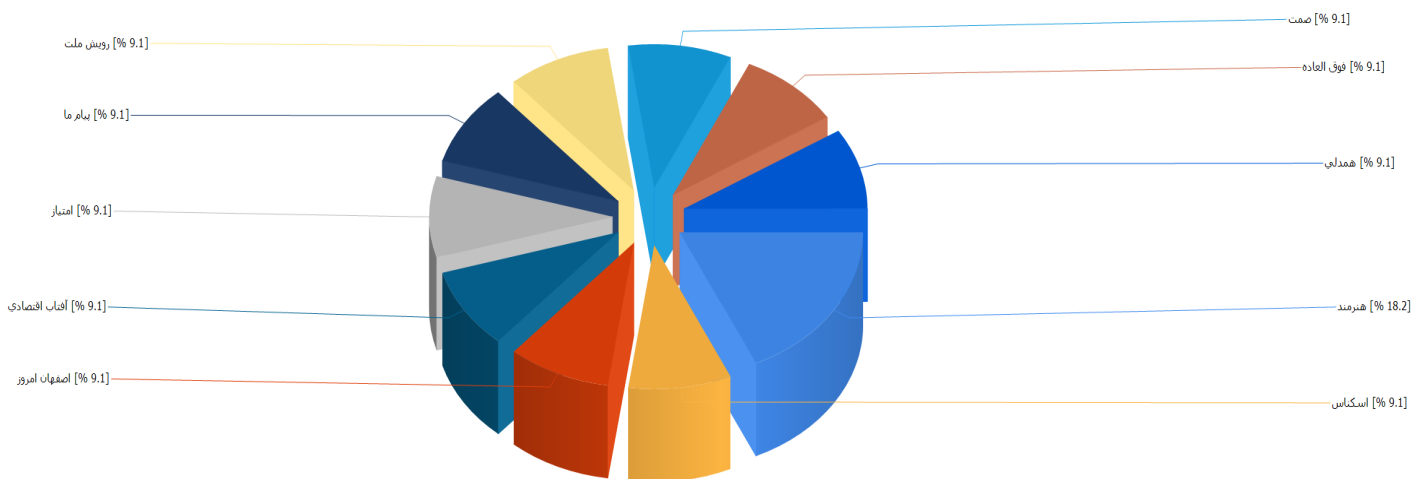
۱۱



گزارش فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب

درصد فراوانی	فراوانی	نام منبع	ردیف
۱۸/۲	۲	هنرمند	۱
۹/۱	۱	اسکناس	۲
۹/۱	۱	اصفهان امروز	۳
۹/۱	۱	آفتاب اقتصادی	۴
۹/۱	۱	امتیاز	۵
۹/۱	۱	پیام ما	۶
۹/۱	۱	رویش ملت	۷
۹/۱	۱	صمت	۸
۹/۱	۱	فوق العاده	۹
۹/۱	۱	همدلی	۱۰
۱۰۰	۱۱	جمع کل	

## نمودار فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب



فهرست اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب

صفحه	عنوان	رسانه
۶	اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب	
۷	پروانگی در نوفل لوشاتو	آفتاب اقتصادی
۸	بهسازی تئاتر شهر در دستور کار است	اسکناس
۹	تئاتر موزیکال «گرگ» روی صحنه اصفهان	اصفهان امروز
۱۰	پروانگی به نوفل لوشاتو می آید	امتیاز
۱۱	پروانگی بر صحنه نوفل لوشاتو	پیام ما
۱۲	برخورد صفر و صدی مخاطبان با بودن	رویش ملت
۱۳	تئاتر بدون سالن می میرد	صمت
۱۴	پروانگی بر صحنه نوفل لوشاتو	فوق العاده
۱۵	تئاتر رئالیستی؛ نیاز زمانه ما	همدلی
۱۶	استقبال بهشتی تماشاخانه ها از عید فطر و اردیبهشت	هنرمند
۱۷	تمدید نینا و جادوی ماه ها برای ۳ روز	هنرمند



## ◀ اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب



## «پروانگی» در «نوفل لوشاتو»

آفتاب یزد: نمایش «پروانگی» به کارگردانی بابک پرهام از اواخر خرداد ماه ۱۴۰۱ در تماشاخانه نوفل لوشاتو به روی صحنه خواهد رفت. پروانگی داستان خانواده‌ای است که دخترشان ناپدید شده و به سراغ نامزد سابقش می‌روند تا جویای حال دختر شوند و پس داستان آشنایی تا ناپدید شدن دختر را روایت می‌کند. بابک پرهام که سال گذشته نمایش «تملیخا» به نویسندگی محمدرضا آزادفر را در کارگاه نمایش مجموعه تئاتر شهر به روی صحنه برده بود، این بار در دومین تجربه کارگردانی خود نمایشنامه‌ای به قلم خودش را به روی صحنه می‌برد.



## بهسازی تئاتر شهر در دستور کار است

سخنگوی شورای شهر تهران از در دستور کار قرار گرفتن بهسازی تئاتر شهر با محوریت سازمان زیباسازی خبر داد. به گزارش خبرنگار مهر، علیرضا نادعلی در نشست خبری که به مناسبت روز شوراها برگزار شد، ضمن گرامی داشت روز قدس و یادآوری اهمیت این روز و تسلیت درگذشت نادر طالبزاده و تبریک پیشاپیش عید فطر گفت: روز شورا گرامی داشت زحمات مشترک اعضای شورا و دوستان رسانه‌ای ماست که در کنار ما فعالیت کرده‌اند و در اینجا در حضور این عزیزان از زحمات آن‌ها تشکر می‌کنم. نادعلی در پاسخ به سوالی در خصوص نام‌گذاری یکی از معابر به نام نادر طالبزاده اظهار کرد: نام‌گذاری معابر فرایندی دارد. گاهی اوقات بزرگان ادبیات و هنرمندان پیشنهاد می‌دهند. در خصوص مرحوم طالبزاده چندین تماس رخ داد که آن فرایند انجام شود و این موضوع حتماً برای ما وظیفه ایجاد می‌کند.



## تئاتر موزیکال «گرگ» روی صحنه اصفهان

نمایش کودک «گرگ» نوشته دکتر محمدحسین ناصر بخت و کارگردانی مجید کیمیایی پور از ۱۰ تا ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱، ساعت ۲۰:۳۰ در فرهنگسرای خورشید روی صحنه می‌رود.

نمایش کودک «گرگ» منتخب شرکت در جشنواره بین‌المللی هایفست ارمنستان، با حمایت دفتر تخصصی هنرهای نمایشی شهرداری اصفهان (تالار هنر) از ۱۰ الی ۲۵ اردیبهشت ماه هر روز از ساعت ۲۰:۳۰ دقیقه در فرهنگسرای خورشید با رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی اجرای آثار نمایشی به روی صحنه خواهد رفت.

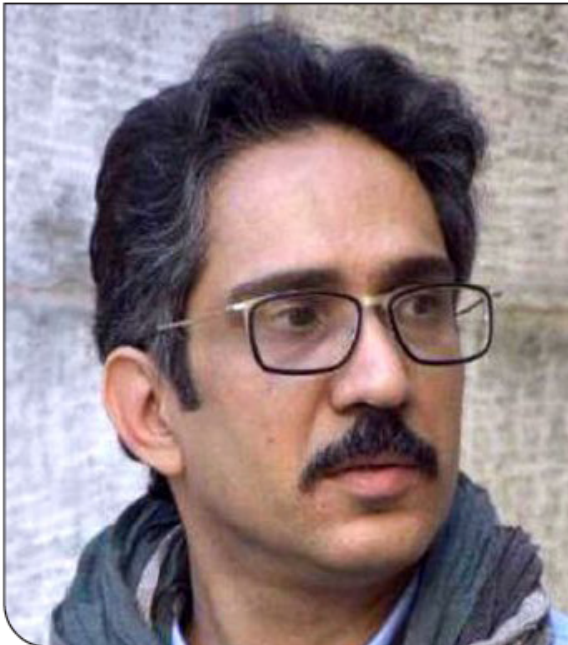
«گرگ»، اقتباسی از قصه عامیانه «شنگول و منگول و حبه انگور» است که به صورت موزیکال برای کودک و خانواده کار شده و طراحی صحنه توسط چوب‌هایی که در صحنه است و براساس نقاشی‌های کودکان، طراحی می‌شود

این نمایش به نویسندگی دکتر محمدحسین ناصر بخت، طراح و کارگردانی مجید کیمیایی پور ساخته شده است و الهام فولادوند / علیرضا بالود / فاطمه وحیدیان / کیمیا کیمیایی پور / زهرا قاضی‌عسگر و آیدا جعفری؛ بازیگران آن هستند.

علاقه‌مندان می‌توانند با ۱۰ درصد تخفیف و به صورت اینترنتی با مراجعه به سایت گیشه ۸ اقدام به تهیه بلیت کنند.

## «پروانگی» به نوفل لوشاتو می آید

نمایش «پروانگی» به نویسندگی و کارگردانی بابک پرهام در تماشاخانه نوفل لوشاتو به صحنه می‌رود. «پروانگی» به نویسندگی و کارگردانی بابک پرهام از اواخر خرداد ۱۴۰۱ در تماشاخانه نوفل لوشاتو روی صحنه می‌رود. در این نمایش محمد نوحیان، نازنین چهره‌نگار، علیرضا آل داوود، مبینا سرلک، الناز الماسی، آرین و کیلی، مهرزاد نیکنام، سعیده جمشیدی، فاطمه طاهری، محدثه رحمانپور و سایه بختیاری بازی می‌کنند و فاطمه محمدی به عنوان بازیگر حرکت در این نمایش حضور دارد. «پروانگی» داستان خانواده‌ای است که دخترشان ناپدید شده است. آنها به سراغ نامزد سابق دختر می‌روند تا جویای حالش شوند و پسر داستان آشنایی تا ناپدید شدن دختر را روایت می‌کند. بابک پرهام که سال گذشته نمایش «تملیخا» به نویسندگی محمدرضا آزادفر را در کارگاه نمایش مجموعه تئاتر شهر روی صحنه برده بود، این بار در دومین تجربه کارگردانی خود نمایشنامه‌ای به قلم خودش را به صحنه می‌برد.



نمایش «پروانگی» به نویسندگی و کارگردانی بابک پرهام از اواخر خرداد ماه ۱۴۰۱ در تماشاخانه نوفل لوشاتو روی صحنه خواهد رفت. به گزارش هنرآنلاین، «پروانگی» داستان خانواده‌ای است که دخترشان ناپدید شده است و به سراغ نامزد سابق‌اش می‌روند تا جویای حال دختر شوند و او داستان آشنایی تا ناپدید شدن دختر را روایت می‌کند. بابک پرهام که سال گذشته نمایش «تملیخا» به نویسندگی محمدرضا آزادفر را در کارگاه نمایش مجموعه تئاتر شهر به نمایش گذاشته بود، این بار در دومین تجربه کارگردانی خود نمایشنامه‌ای به قلم خودش را روی صحنه می‌برد. در این نمایش محمد نوحیان، نازنین چهره‌نگار، علیرضا آل‌داوود، مبینا سرلک، الناز الماسی، آرین وکیلی، مهرزاد نیکنام، سعیده جمشیدی، فاطمه طاهری، محدثه رحمانپور و سایه بختیاری هنرنمایی می‌کنند و فاطمه محمدی به عنوان بازیگر حرکت در این نمایش حضور دارد.

از ساده سازی فاصله گرفتیم

## بر خورد صفر و صدی مخاطبان با «بودن»



یک عکس، چیز دیگری از آن چه بوده است باقی نخواهد گذاشت. حرکاتش، سکوت هایش و چگونگی عشقش به ما نخواهد رسید. شناسنامه نشدن او بازی نکردن است و بازی نکردن صد مرتبه مردن است با همه موجوداتی که او به وجود آورده و یا جان و توان داده است. آن چه مهم است تحرک ابدی است نه زندگانی جاودان. باید سیزیف را خوشبخت انگاشت. الیر کامو «نمایش «بودن» تا ۲۳ اردیبهشت ماه ساعت ۱۵:۱۸ در سالن ناظرزاده کرمانی تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه است.

نمایش توضیح داد: ابتدا ایده این نمایش به ذهن صبا نجاتی یکی از نویسندگان کار که از بازیگران نمایش هم است، رسید. بعد از تکمیل ایده من آن را مطالعه کردم و به نظرم خیلی جالب آمد و تصمیم گرفتم آن را به صحنه ببرم. ما به دنبال اجرایی که با استقبال مخاطبان روبرو شود نبودیم یا اصلاً موفقیت یا شکست کار بر ایمان مهم نبود بلکه به دنبال این بودیم که یک تجربه متفاوت را رقم بزنیم که فکر می کنم موفق هم شدیم.

در خلاصه داستان نمایش آمده است: «باز یگر جز

گرفته اند. از طرف دیگر جنس علاقه و نیاز تماشاگران تماشاخانه ایرانشهر با مکانی مانند تالار مولوی متفاوت است و حتی تماشاگران سالن ناظرزاده کرمانی و سمندریان نیز با یکدیگر فرق دارند. نمایش ما نیز در حال به چالش کشیدن مخاطبان است چون در اصل این نمایش مناسب اجرا در یک بلیک باکس بود و خود ما برای دیدن باز خورد مخاطبان و رسیدن به نتیجه ایده آلی که از اجرای نمایش مد نظر داشتیم تصمیم گرفتیم کار را در یک سالن قاب عکسی به صحنه ببریم و دست به یک ساختار شکنی بزنیم. جلیلی دوست یاد آور شد: مردم جامعه عادت به ساده سازی همه مسائل دارند که همین مثال ریشه در فرهنگ ما دارد از این رو ما یا شادی را به رسمیت می شناسیم یا غم را. این اتفاق در شکل های نمایشی تاریخ تئاتر ایران هم وجود دارد به این شکل که یا تعزیه را می شناسیم که مردم بدان گریه می کنند یا نمایش های شادی او را داریم که مردم با آن می خندند به این ترتیب انگار همه چیز ساده شده است. در دنیای نمایش نیز داستان یکی از ابزار های ساده سازی است اما قصد ما این بود که در نمایش «بودن» خلاف این جریان حرکت کنیم. بخشی از اتفاقی هم که در نمایش می افتد بر پایه ابهام بنا شده است و تلاش ما نیز این بود که مخاطبان این ابهام را تجربه کنند. مساله این است که حس مبهم بودن با حس خوشحالی یا غم تفاوت دارد و ما نیز قصد داشتیم این موضوع را در مخاطبان نهادینه کنیم. وی در پایان صحبت هایش درباره ایده شکل گیری

مرتضی جلیلی دوست کارگردان نمایش «بودن» با اشاره به باز خورد صفر و صدی مخاطبان عنوان کرد در این اجرا تلاش شده ذهن تماشاگران از ساده سازی عناصر و احساسات فاصله بگیرد.

مرتضی جلیلی دوست کارگردان نمایش «بودن» که این روزها در سالن ناظرزاده کرمانی تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه است درباره باز خورد مخاطبان و استقبال از این اثر نمایشی گفت: خوشبختانه از استقبال مخاطبان راضی هستیم و هر چه اجرا جلوتر می رود به تعداد تماشاگران نمایش اضافه می شود. نکته جالب توجه در اجرای «بودن» بر خلاف نمایش قبلی ام «دریم لند» باز خورد های متفاوتی است که از کار گرفتیم چون باز خورد های متوسط کمتر از طرف تماشاگران وجود دارد و معمولاً با باز خورد های صفر و صدی مواجه هستیم و تماشاگران با کار ارتباط می گیرند و آن را دوست دارند یا از نمایش خوششان نمی آید.

وی ادامه داد: دلیل این نوع باز خورد نیز این است که نمایش زیاد شکل کلاسیک و داستانی ندارد و کلاژی است از ۴ داستان در فرم های مختلف که کنار یکدیگر قرار گرفته اند و فضاسازی نمایش نیز از آرکائیسک و مونولوگ و شعر خوانی گرفته تارپ و فیزیکیال و بحر طویل را شامل می شود و مدام در حال شکل عوض کردن است. در واقع در نمایش «بودن» ۴ داستان در یک کانسپت مشترک به نام «بودن» به معنای وجود داشتن و در لحظه زندگی کردن با لایه ای از شرایط «سیزیف وار» در کنار هم قرار



## تئاتر بدون سالن می‌میرد



هادی حوری - نویسنده و کارگردان تئاتر: تئاتر کار کردن، آرزویی نزدیک به محال شده است. سالن‌های دولتی محدودند. در سطح شهر تهران غیر از مجموعه تئاتر شهر، محراب و سنگلج و هنر دیگر سالنی وجود ندارد.

بنیاد رودکی با مجموعه تالار وحدت، سالن حافظ و تماشاخانه برج آزادی در دسترس همه نیست. مجموعه تالار مولوی زیر مجموعه دانشگاه است و برای دانشجویان خاص استفاده می‌شود. مجموعه ایرانشهر و چند فرهنگسرا که متعلق به شهرداری است و نیمه دولتی (خصوصی) محسوب می‌شوند، در بخش مالی تابع عملکرد سالن‌های خصوصی‌اند. بعد از این تعداد، فقط مجموعه‌های خصوصی می‌مانند که برخی شهرت بیشتری دارند و برخی مهجور مانده‌اند، اما در بخش قرار دادهای مالی شهره و مهجورش به یک شکل و روش عمل می‌کنند.

این فهرست نمایانگر دو موضوع است؛ اول محدودیت تعداد سالن‌ها به نسبت کلاشهری همچون تهران و دوم غولی به نام سرمایه یا همان نام آشنای پول.

سالن‌های دولتی که شامل حمایت‌های اندک دولتی می‌شوند، به دلیل تراکم اجراها و درخواست‌های اجرا، هدفی غیر قابل دسترس می‌نماید که اگر مدیرانش حتی قصد همراهی با گروه‌ها را داشته باشند هم، در تراکم درخواست‌ها و همچنین برخی اولویت‌های سازمانی و بخشنامه‌ای که منجر به حذف برخی گروه‌ها نیز می‌شود، نمی‌توانند در چنین موقعیتی برای گروه‌های تئاتری که عموماً جوانان هستند، کاری بکنند.

سالن‌های نیمه دولتی نیز که از حمایت سازمان‌های دولتی برخوردارند، این حمایت را برای پیشبرد اهداف تبلیغی و حفظ و نگهداری و گاه ارتقای پر هزینه سالن‌ها خرج می‌کنند و در مواجهه با اجراهای تئاتری همان عملکردی را دارند که سالن‌های خصوصی دارند.

در نتیجه گروه‌های تئاتری پس از گذراندن صف طولی و مترامک در خواست‌های اجرایی، با قرارداد مالی‌ای مواجه می‌شوند که بر آمدن از آن گاو تر می‌خواهد و مرد کهن. در این میان سالن‌های خصوصی می‌مانند که گرچه برای امداد به وضعیت اجرایی تئاتر پسا به میدان گذاشته بودند، اما امروز به دلیل شرایط مالی، بر آمدن از عهده قراردادهاشان ۱۰۰ گروه امداد را لازم دارد که به کمک تئاتری‌ها بیایند.

باتوجه به وضعیت اقتصاد کشور و نوسان‌های مالی و تورم‌های چندرقمی که شامل همه طبقات و صنوف جامعه شده، بخش فرهنگی که طفل یتیم‌مانده کشور است، اوضاع خطرناک‌تری را می‌گذراند و همین روزهاست که نفس‌های آخرش را بکشد. گرچه کیفیت اجراهای روی صحنه و وضعیت دکور و لباس‌ها و تعداد

بازیگران هر نمایش و استفاده از بازیگران یکبار مصرف، نشان می‌دهد بسیاری از شریان‌های تنفسی‌اش کاملاً خشکیده و از کار افتاده، اما تئاتر هنوز زنده است. به هر روی آنچه گفتنی است وضعیت گروهی از کارگردانان و گروه‌های نمایشی است که در شرایطی بغرنج به سر می‌برند و برای برون‌رفت از چنین شرایطی وضعیت تمثیلی‌شان را به چند وجه طی می‌کنند:

مورد تمثیلی اول:

پیدا و کار کردن با تهیه‌کننده برای بسیاری از ایشان دشوار و کنار آمدن با برخی سلاقی‌های تمثیلی برخی تهیه‌کنندگان برای‌شان محال است؛ پس ترجیح می‌دهند کار نکنند.

مورد تمثیلی دوم:

تهیه‌کنندگانی می‌یابند که اندک سرمایه‌ای دارند و در یک اجرای ضعیف و انتخابی غلط دچار ورشکستگی شده و از چرخه تولید کنار می‌کشند.

مورد تمثیلی سوم:

تهیه‌کنندگان در پس هر اجرا چنان رقم گروه را می‌کشند که افراد گروه‌ها پشت دست‌شان را داغ می‌کنند که وارد چنین فرآیندی شوند.

مورد تمثیلی چهارم:

تهیه‌کننده و کارگردان با هم کنار می‌آیند و به خوبی و خوشی در کنار هم زندگی‌شان را آغاز می‌کنند، اما سالن چنان قراردادی جلوی‌شان می‌گذارد که کارشان به متار که می‌رسد.

مورد تمثیلی پنجم:

همه چیز به خوبی و خوشی تمام می‌شود و تهیه‌کننده و سالن و کارگردان با هم به سودشان می‌رسند، اما مخاطب از تماشا کار دچار سوء هاضمه حاد می‌شود.

مورد تمثیلی ششم:

همه چیز به خوبی و خوشی شروع شده و به پایان می‌رسد و به طرز معجزه‌آسایی مخاطب هم کمابیش راضی است.

البته می‌تواند موارد دیگری هم پیش بیاید که با جزو استثنائات است یا نزدیک به همین ۶ مورد؛ اما آنچه حائز اهمیت به نظر می‌رسد، اینکه چنین معادلاتی اگر به انجام هم برسد هرگز نمی‌تواند جوابگوی نیاز مخاطب و تامین بازار فرهنگی تئاتر کشور (همین تهران) باشد.

سالن‌های دولتی محدودیت‌ها و ضوابط خودشان را دارند و عموماً جز تصمیمات مدیریتی، شامل برخی فرمایشات بخشنامه‌ای نیز می‌شوند که گاه دست و پای مدیران را نیز می‌بندد. با وجود این و در صورت تکمیل تمامی اجراها، این سالن‌ها نسبت به درخواست‌های اجرا همچنان در کمبود آماری قابل ملاحظه‌ای

اسیرند.

سوال اینجاست که آیا افزایش تعداد سالن‌های خصوصی می‌تواند به رفع چنین وضعیتی کمک کند؟ آیا گشایش سالن‌های دولتی بیشتر با توجه به بودجه‌های حمایتی و موضع‌گیری دولتمردان نسبت به تئاتر می‌تواند راهگشای چنین مشکلی باشد؟ آیا گروه‌ها و آموزشگاه‌ها باید در زمینه خروجی‌ها و کیفیت آموزش‌های‌شان تصمیمات بهتری اتخاذ کنند؟

آیا با همین اوضاع باید ساخت و کنار آمد؟

دوستان دولتی چندان طرفدار تئاتر نیستند و دوستان تئاتری وابسته به نهادهای دولتی معمولاً ترجیح‌شان حفظ مواضع و منافع دولتی‌شان است. دوستان تئاتری‌ای که راهی به مناسبات دولتی پیدا می‌کنند، عموماً به دنبال منافع شخصی و پیشنهادات آن سویی‌ها به سمت سرمایه‌های غش می‌کنند. به نظر می‌رسد با چنین توصیفات شرایط به جایی رسیده که هر کسی (در اینجا گروه‌های نمایشی) باید اسب لنگ خود را به منزل برساند و کلاه خودش را نگه دارد که دزد نبرد.

هیچ برنامه و جریان هدفمند کوتاه‌مدت و بلندمدتی که منجر به بهتر شدن و سامان گرفتن تئاتر شود، وجود ندارد. همه تصمیمات روزانه و هفتگی است و غالباً نیز چنین تصمیماتی تحت تاثیر تغییر وضعیت سیاسی یا اقتصادی کشور به هم ریخته و ملغی می‌شوند.

تئاتر کشور همچون تمامی نهادهای فرهنگی و هنری هیچ برنامه راهبردی‌ای ندارد. هیچ نهاد و سازمانی که برنامه‌های هدفمند و اصولی و قابل اجرا داشته باشد، در این فضا وجود ندارد. هر طرحی صرفاً برای جذب بخشی از سرمایه و بودجه فرهنگی ارائه می‌شود و در حد همان طرح باقی می‌ماند، زیرا اجرای هر طرحی یعنی خرج کردن پول و سرمایه با آورده‌ای که برخی دل‌شان نمی‌خواهد آن را با دیگران تقسیم کنند.

این بیانی ساده از وضعیتی دشوار است. به قول نویسنده‌ای بچه‌ها شوخی شوخی سنگ می‌اندازند و قورباغه‌ها جدی جدی می‌میرند. حالا حکایت ماست.

نکته جالب اینکه هنوز و همچنان اصرار داریم و مانده‌ایم تا تئاتر کار کنیم و هر کدام فکر می‌کنیم با آنچه به صحنه می‌بریم می‌توانیم شرایط را تغییر دهیم و همین امید است که ما را زنده نگاه می‌دارد و دیگران را نیز وادار می‌کند که به همین کارهای‌شان ادامه دهند. روزی روزگاری کسی گفته بود اگر می‌خواهید کشور ایران رشد کند در چاه‌های نفت را ببندید. انگار درباره تئاتر نیز چنین چیزی مصداق دارد و اگر بخواهیم تئاتر سروسامانی بگیرد، شاید بهتر باشد در چاه‌های امید را ببندیم و منتظر باشیم تا کسی یا کسانی از خویش بیرون آیند و کاری بکنند.

## پروانگی بر صحنه نوفل لوشاتو

نمایش «پروانگی» به نویسندگی و کارگردانی بابک پرهام در تماشاخانه نوفل لوشاتو به صحنه می‌رود.

به گزارش ایلتا، نمایش پروانگی از اواخر خردادماه ۱۴۰۱ در تماشاخانه نوفل لوشاتو به صحنه خواهد رفت. در این نمایش محمد نوحیان، نازنین

چهره‌نگار، علیرضا آل داوود، مبینا سرلک، الناز الماسی، ارین و کیلی، مهرزاد نیکنام، سعیده جمشیدی، فاطمه طاهری، محدثه رحمانپور و سایه بختیاری هنر‌نمایی می‌کنند و فاطمه محمدی به عنوان بازیگر حرکت در این نمایش حضور دارد. پروانگی داستان خانواده‌ای است که دخترشان

ناپدید شده و به سراغ نامزد سابقش می‌روند تا جویای حال دختر شوند و سپس داستان آشنایی تاناپدید شدن دختر را روایت می‌کند. بابک پرهام که سال گذشته نمایش «تملیخا» به نویسندگی محمدرضا آزادفسر را در کارگاه نمایش مجموعه تئاتر شهر به صحنه برده بود، این بار در دومین تجربه کارگردانی خود نمایشنامه‌ای

به قلم خودش را به صحنه می‌برد. دیگر عوامل این نمایش عبارتند از: مشاور کارگردان: امیر شفیعی، طراح لباس: فیروزه قاسم‌پور، آهنگساز: مانی مویدی، طراح نور: علیرضا شاه حسینی، طراح حرکت: سمن قناد، دستیاران کارگردان: علیرضا شاه حسینی، رضا مهرداد، روابط عمومی: فرشید حاجیان

رضا بابک، احسان عبدی پور، احمد طالبی نژاد، حسین کیانی، پریسا مقتدی، عبدالجبار کاکایی، ناهید مسلمی و بهزاد صدیقی از «هملت پشت کوهی» می گویند

## تئاتر رئالیستی؛ نیاز زمانه ما



**همدلی** نمایش «هملت پشت کوهی» به نویسندگی و کارگردانی «ابراهیم پشت کوهی» که پس از اجرای عمومی در «پلاتو آفتاب» بندرعباس و استقبال بی سابقه مخاطبان از آن، اجراهای خود را از روز ۱۴ فروردین ماه در سالن چهارسوی مجموعه تئاتر شهر تهران آغاز کرده تا کنون میزبان بسیاری از هنرمندان سرشناس عرصه سینما و تئاتر بوده است. بنا بر گزارش روابط عمومی گروه، تاکنون شماری از هنرمندان مطرح و خوش نام عرصه تئاتر، سینما و تلویزیون به تماشای نمایش «هملت پشت کوهی» نشستند که از جمله می توان به حمیدرضا نعیمی، حسین کیانی، احمد طالبی نژاد، ناهید مسلمی، رضا بابک، بهارک بابک، احسان عبدی پور، بهزاد صدیقی، محسن حسینی، قطب الدین صادقی، پریسا مقتدی، سلمان امین، عبدالجبار کاکایی، شیرین یزدان بخش و علیرضا بهنام اشاره کرد. هنرمندان نام برده پس از تماشای نمایش «هملت پشت کوهی»، نظرات مثبت و متفاوتی درباره تازه ترین اثر ابراهیم پشت کوهی ارائه کردند.

رضا بابک (بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون)، که شب پنجشنبه، ۸ اردیبهشت تماشاکر ویژه نمایش «هملت پشت کوهی» بود، با بیان اینکه «اجرای هملت پشت کوهی را بسیار دوست داشتم»، درباره آن گفت: «همدتا بود تئاتر ما، نمایش هایی با سبک و سیاق رئالیستی به خود ندیده بود. البته ابراهیم پشت کوهی تسلط زیادی بر شکل ها و گونه های مختلف تئاتر دارد. نکته جالب برای من این بود که بسیاری از بازیگران این نمایش برای اولین بار روی صحنه می رفتند و این موضوع جسارت زیادی را می طلبد و البته از عهده نقششان به خوبی برآمده بودند».

بابک افزود: «این نمایش، بیانگر رنج ادبی بشریت است و به خوبی یک خانواده معاصر ایرانی و هجوم آسیب های اجتماعی و آسیب پذیری های شان را به تصویر کشیده بود. کارگردان قصه را خوب پیش برده و از نظر درام نویسی پایان درستی داشت».

احسان عبدی پور (نویسنده و کارگردان سینما) نیز درباره این اجرا گفت: «هملت پشت کوهی نمایش بسیار یکدست و خوبی است. ابراهیم پشت کوهی اینجا از همه ی گونه های اجرایی تئاتر، چنانچه و یک کار رزال، هایپررئال و بعضاً ناتورالیستی اجرا می کند. من به یک دلیل غیر هنری و اجتماعی، خیلی این تغییر فرم را دوست دارم، فکر می کنم تئاتر ما در حال تبدیل شدن به یک امر خنثی لاکچری مابانه لوس اکلن زده بی کارکرد بود و است. در حال حاضر بیش تر دنبال تئاتر هایی می گردم که خیلی رئال و در واقع چسبی باشند برای مخاطبی که در ذهنش یک کارکرد به درونخور دکوراتیو از تئاتر در حال شکل گیری بود».

نمایش هایی از جنس «هملت پشت کوهی»، بازتعریف درست تر اجتماعی دوارهای از

ناهید مسلمی (بازیگر تئاتر و سینما) درباره این نمایش می گوید: «پس از سال ها کاری از بچه های جنوب دیدم و لذت بردم. من در نمایش «خرچنگ خانگی» سابقه کار با آقای پشت کوهی را داشتم که سبک آن رئالیسم جادویی بود اما سبک «هملت پشت کوهی» به ناتورالیسم نزدیک تر بود و این نمایش و باورپذیر بودن آن را ترجیح می دهم. به نظر من ترازوی «هملت پشت کوهی» از ترازوی «هملت» شکسپیر هم تلخ تر بود و بازگویی یک ترازوی ایرانی است».

بهزاد صدیقی (نمایش نامه نویس، کارگردان و منتقد تئاتر) نیز پس از تماشای اجرای «هملت پشت کوهی» اظهار داشت: «هملت پشت کوهی را مانند ارکستری دیدم که از لحاظ بازی بازیگران، عوامل و طراحی صحنه، هماهنگ و مهندسی شده و دقیق و با نگاه کاملاً امروزی و حرفه ای اجرا شده است. به گروه بازیگران تبریک می گویم که توانسته بودند پارتی های خوب و هماهنگی برای هم باشند و سعی کرده بودند آنچه را در پس نمایش نامه وجود داشته است، خیلی خوب به نمایش بگذارند».

گفتنی است نمایش «هملت پشت کوهی» به نویسندگی و کارگردانی «ابراهیم پشت کوهی» تا روز ۱۳ اردیبهشت ماه، هر روز غیر از شنبه ها، ساعت ۲۰:۱۵ در سالن چهارسوی مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می رود. مهدی عطایی، غزل لوری، محمد جامه شورانی، سعید سلیمی، یاسمن صیاد، افسانه برزه کار و مجید کشاورز این نمایش ایفای نقش می کنند. میسرات پریدار نیز تهیه کنندگی این اثر نمایشی را بر عهده دارد.

علاقه مندان به تماشای نمایش «هملت پشت کوهی» می توانند با مراجعه به صفحه این نمایش در سایت تیوال (<https://www.tiwal.com/p/hamlet2>) اقدام به رزرو و تهیه بلیت کرده و به تماشای این نمایش بنشینند.

درامها تجلی پیدا می کند. البته کارگردان، دغدغه های همیشگی خودش را در این نمایش هم داشت. همان فرهنگ و آداب و آیین و بومی که از آن ریشه گرفته و بالیده و آمده و چه خوب بود که اصرار نداشت زبان نمایش، فارسی رسمی باشد. این نمایش شمای بود از جامعه ایرانی و مخصوصاً طبقه فرودست و جامعه زیر متوسط. طراحی متن و طراحی اجرا، جزئیات خیلی رعایت شده بود».

پریسا مقتدی (بازیگر تئاتر) در رابطه با نمایش ابراهیم پشت کوهی بیان کرد: «از تماشای نمایش «هملت پشت کوهی» خیلی لذت بردم. درصدی از نام هملت را در نمایش دنبال می کردم اما آن قدر اثرشان در فرهنگ و آداب و رسوم لایه های مختلف جامعه شناسانه یک خانواده ایرانی، بخصوص یک خانواده جنوبی و بندری تنیده شده بود که از نام هملت و تصویری که در ذهن کاشته شده بود، کاملاً فاصله گرفت و درخت تناور دیگری شکل گرفت».

از نمایش نامه و کارگردانی ساده و روان لذت بردم، چون بی آن که بخواهد مستقیماً به توانایی های کارگردان اشاره بکند، امضای کارگردان روی صحنه های مختلف اثر وجود داشت. همچنین بازی های نمایش بسیار لذت بخش بود و گروه بازیگران یکدستی قابل توجهی در بازی ها داشتند».

عبدالجبار کاکایی (شاعر) نیز عقیده دارد: «در نمایش هملت پشت کوهی، علاوه بر نقد کنش های اجتماعی و سیاسی و خرافات رایج و ابعاد پیچیده زندگی انسانی، که انصافاً بازی درخشان بازیگران به آن شکوه عاطفی خاصی داده و همچنین تحلیل موشکافانه رفتارهای متعارف اجتماعی و شیوه های رایج ارتباط رانسی و روحی افراد خانواده با هم و نمایش حس فداکاری و خیانت، اجرای نمایش چنان زیبا و واقعی بود که بی اختیار با عواطف جریان قصه همراه می شدی و بغض می کردی و می خندیدی».

تئاتر به همراه دارند. به نظرم در این برهه ی زمانی به چسبی از جنس رئالیسم در تئاتر نیازمندیم».

احمد طالبی نژاد (منتقد، روزنامه نگار و فیلم ساز) نیز در مورد نمایش «هملت پشت کوهی» معتقد است: «این نمایش در اصل هیچ ربطی به «هملت» شکسپیر ندارد. مضمون کار شکسپیر، تردید و به نوعی خیانت و پدرکشی و پسرکشی است».

این جنبه در کار آقای پشت کوهی هست، یعنی آدم هایی که در نمایش می بینیم، به نحوی دچار شک و تردیدند و هیچ کس در واقع صادق نیست، چون نسبت به آنچه کنارش اتفاق می افتد، مطمئن نیست؛ این که طلاها را چه کسی برداشته، شک همه را به یکدیگر برمی انگیزد. این جزو عناصر و جزئیات کار شکسپیر است که در نمایش «هملت پشت کوهی» وجود دارد اما نمایش آن قدر بومی شده که اگر اسم هملت را از روی آن برداریم و مثلاً یک نام بومی بگذاریم، تماشاکر کم تر متوجه می شود

اصل و نسب این نمایش چیست. این همان کاری است که ناصر تقوایی در فیلم «ناخدا خورشید» کرد».

این منتقد پیشکسوت ادامه داد: «در این کار، ما با یک اثر فرامرزی و جهانی روبه رویم. باوجودی که این افراد، یک خانواده اند، ولی زبان و فرهنگ مشترکی ندارند. یکی بندری حرف می زند، آن یکی تهرانی و دیگری بزدی. جمعی از اقوام و فرهنگ های مختلف را می بینیم که زیر چتر یک خانواده گرد آمده اند، یعنی همان چیزی که در ایران خودمان شاهد هستیم».

حسین کیانی (نویسنده و کارگردان تئاتر) گفته است: «هملت پشت کوهی» با کارهای قبلی ابراهیم پشت کوهی یک تفاوت عمده دارد و آن نزدیک شدن به لایه های زیرین سطح اجتماعی است؛ یعنی آدم هایی که کم تر دیده و شنیده می شوند، کم تر مبدل به درام می شوند و زندگی های شان کم تر در





## استقبال بهشتی تماشاخانه‌ها از عید فطر و اردیبهشت



اجرای ۵۱ اثر نمایشی در ۲۰ تماشاخانه پایتخت از جمله جلوه‌های زیبای بهشتی اردیبهشت تئاتر و آستانه عید سعید فطر است که ثمره آن گرم شدن تنور اجراهای نمایشی است. حضور هنرمندانی چون پژمان جمشیدی، پرویز پرستویی، اشکان خطیبی، بهاره رهنما، بهرام افشاری شور صحنه تئاتر را به اوج خود رسانده است.

شربان حیات عرصه اجراهای عمومی آثار نمایشی در نخستین ماه از فصل بهار قرن جدید، چنان با شور و حال هنرمندان و علاقه‌مندان هنرهای نمایشی آمیخته شده است که می‌توان ثمره جبران بهار سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ خورشیدی که به سبب شیوع ویروس کرونا کمتر شاهد چنین شوروحالی در صحنه‌های سالن‌های نمایشی و تماشاخانه‌های کشور بودیم را به وضوح رصد کرد. همچنین هم‌نشینی بهار طبیعت و بهار قرآن در ماه مبارک رمضان و قرار گرفتن در آستانه عید سعید فطر، خود بر حجم این شور و شوق هنرمندان در استقبال از بهشتی‌ترین ماه خداوند در اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ خورشیدی افزوده است. به‌گونه‌ای که طی هفته جاری ۲۰ تماشاخانه پایتخت از ۵۱ اثر نمایشی میزبانی می‌کنند. همچنین اجرای این آثار نمایشی با حضور هنرمندان و بازیگران شناخته‌شده‌ای چون پژمان جمشیدی، حامد کمیلی، بهنام تشکر، هادی مرزبان، علی سرابی، ریما رامین‌فر، پرویز پرستویی، میترا حجار، بهاره رهنما، رضا یزدانی، اشکان خطیبی و دیگر هنرمندان نامدار تئاتر کشورمان خود مزیدبر علت شده تا اردیبهشت صحنه‌های تئاتر کشور شانه به گرمای روزهای داغ تابستانی بزند.



## تا ۱۹ اردیبهشت تماشاگر نمایش تالار هنر باشید تمدید «نینا و جادوی ماهها» برای ۳ روز



طبق برنامه ریزی انجام شده تاریخ ۱۶ اردیبهشت به عنوان روز پایانی اجراهای نمایش «نینا و جادوی ماهها» به نویسندگی ماندانا عبقری و کارگردانی علیرضا دهقانی مشخص شده بود که با توجه به استقبال تماشاگران از این نمایش و درخواست های بسیار برای خرید بلیت در روزهای آینده، این نمایش تا ۱۹ اردیبهشت روی صحنه خواهد بود. در این نمایش که برای سه روز تمدید شده است، ماندانا عبقری، حسین مزینانی، مسعود محرابی، سامان فرشید نیا، حامد نظامی اصل، امیرحسین امانی، نرگس مروتی، رضوان عباسی، مارال عبدالحسین، یاسمن رحیمی، صدف صمدی، سعید سلطانیان، غزاله امیرسرداری ایفای نقش می کنند. دیگر عوامل این نمایش: طراح صحنه و طراحی ساخت عروسک: ماندانا عبقری روابط عمومی و مشاور تبلیغات: سجاد آقابابایی، آزاده شهریاری فر (تماشاگران تئاتر نارنجی)، طراح لباس: رکسانه عبقری، خواننده و موسیقی: دانیال استاد عبدالحمید، مدیر صحنه: یاسر محمدی، دستیار کارگردان: غزاله امیر سرداری، عکاس: کوثر موسوی. در خلاصه داستان نمایش «نینا و جادوی ماهها» می خوانیم: «نینا دختر خانواده فقیری است که برای درمان مادر بیمارارش به جنگل می رود تا گل موگه جمع آوری کند و در ازای آن جایزه شاهزاده را دریافت کند؛ اما در جنگل برفی خبری از گل های موگه نیست. نینا اتفاقی به کلبه دوازده ماه می رسد و آن ها تصمیم می گیرند تا با عوض کردن جای فصل ها موگه را به نینا هدیه بدهند. نینا با گل های موگه به قصر می رود اما پروفیسور قلبی قصر با گرفتن گل های موگه و گردنبد نینا باعث به هم ریختن اوضاع می شود و...» گفتنی است این نمایش تا تاریخ ۹ اردیبهشت ۲۴ اجرا و در مجموع ۳۱۸۱ نفر تماشاگر داشته است.